

نگاهی به برخی از پیامدهای اجتماعی انقلاب مشروطیت از منظر نمونه‌های چند از اسناد «قراردادها»

* کریم سلیمانی دهکردی

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

در مقاله حاضر که عمده‌ترین مأخذ آن مجموعه «اسناد قراردادها»ی سازمان اسناد ملی ایران است، سعی شده است به این پرسش مهم پاسخ داده شود که آیا انقلاب مشروطه برای جامعه ایران پیامدهای مدنی داشته است؟ با استفاده از تعدادی اسناد مربوط به بانک استقراضی، شرکت برادران لینچ، شرکت روسی خوشتاریا، خزانه‌داری کل، شرکت لیانازوف‌ها، و شرکت آمریکایی قره‌گوزیان در قزوین، روشن می‌شود که ایران عصر مشروطه به فضای جدیدی گام نهاد و واکنش‌های مدنی که کم و بیش از خود نشان داد، بیانگر این حقیقت است که آن تجربه را آغاز نموده است. یعنی تجربه‌ی ناتمامی که جامعه ایران با گذشت زمان آن را کارآمدتر و پخته‌تر نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب مشروطیت ایران، بانک استقراضی، شرکت برادران لینچ، شرکت روسی خوشتاریا، شرکت آمریکایی قره‌گوزیان، شرکت لیانازوف، بانک شاهنشاهی ایران.

Looking at Some Civil Implications of Constitutional Revolution through a Collection of "Contracts"

Karim Soleimani Dehkordi, Ph.D.

Assistant Professor, Department of History

Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Abstract

The most invoked sources I have ever referred to in writing this article is the collection of "Asnad-e Gharardad-ha" (contract documents) available in the "Organization of Iranian National Archives", by means of which I am trying to answer this important question: "Has Constitutional Revolution of Iran ever had any civil achievements?" By means of a series of documents concerning "Banque d'Escompte de Pers", "Lynch Brothers", "Russian Khoshtaria Company", "Treasurer General", "Lianosoff Company", and "American Gharagoozian Company" in Ghazvin, it will be known that Iran, in the age of Constitutional Revolution, entered a new social atmosphere of modernism, an incomplete experience through which Iranian society became more mature and experienced in the future.

Keywords: Constitutional Revolution of Iran, Banque d'Escompte de Pers, Lynch Brothers Company, Russian Khoshtaria Company, American Gharagoozian Company, Lianosoff Company, Imperial Bank of Persia.

* دکترای ایران‌شناسی از دانشگاه بامبرگ آلمان، استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مقدمه

بدون شک انقلاب مشروطه نقطه عطفی را در تاریخ ما رقم زد. صرف‌نظر از دلایل وقوع این حادثه بزرگ، جامعه ایرانی به مرحله‌ای گام نهاد که نتیجه آن دور شدن تدریجی از سنت‌های کهن دیرپا در عرصه زندگی جمعی است. در عصر مشروطیت که نگارنده مایل است آن را به‌طور سلیقه‌ای از سال 1324 ق تا پایان دوران قاجاریه و تأسیس سلسله پهلوی در نظر بگیرد، زندگی جمعی ایرانیان وارد مرحله جدیدی از زندگی مدنی و به تبع آن به‌طور بی‌سابقه‌ای دارای ابعاد متنوعی گردید. آگاهی از این گستره جدید، صرف رجوع به منابع و کتب منتشر شده مربوط به آن دوران کافی نیست؛ به ویژه که عموم این آثار بیشتر به حوادث و تحولاتی پرداخته‌اند که در لایه مناسبات سیاسی جامعه رخ داده‌اند. هر آن‌چه در حوزه سیاسی اتفاق می‌افتد، معمولاً آشکار و در معرض دید و ارزیابی همگان قرار می‌گیرد. اما تحولاتی که در عرصه مناسبات اجتماعی و یا ترکیبی از مناسبات اجتماعی اداری، اقتصادی و فرهنگی رخ می‌دهد، آرام و کم پیدا هستند. در همین زمینه، تألیفاتی که در برگزیده تاریخ اجتماعی عصر مشروطه باشد، بسیار کمتر از آثاری هستند که به امور سیاسی پرداخته‌اند.

بررسی منابع این عصر، جای هیچ‌گونه تردیدی را نمی‌گذارد، برای درک عمیق‌تر از ابعاد چندگانه جامعه آن روز، نیاز به منابع جدید است. در حال حاضر، این منابع می‌تواند اسنادی باشند که در بایگانی‌های کشور در کمیت بسیار وسیع وجود دارند.

کار با اسناد علاوه بر این که پیچیدگی‌های خود را دارد، مشکلات دسترسی به این اسناد امری است بسیار قابل ملاحظه. عاملی که دسترسی به اسناد را سخت می‌کند، نوع سامان‌دهی این اسناد در بایگانی‌های کشور است. به جهت پرهیز از طولانی شدن مطلب، این مشکل را صرفاً و به اختصار در ارتباط با سازمان اسناد ملی کشور که متولی اصلی حفظ و نگهداری اسناد است، با طرح فقط یک نمونه پی می‌گیریم.

پژوهشگری که در جستجوی اسناد مربوط به تخت جمشید است، می‌تواند انتظار داشته باشد، با دادن کلیدواژه تخت جمشید به سیستم رایانه‌ای سازمان، همه اسناد مربوط به تخت جمشید در اختیارش قرار گیرد. ولی این توقع بی‌پایه‌ای است، زیرا با این کلیدواژه حتی یک برگ سند هم به او معرفی نمی‌شود. بعد از پی‌گیری بیشتر متوجه می‌شویم، واژه تخت جمشید در زیر عبارتی که امروز به شدت کم استعمال می‌شود، یعنی «ابنیه تاریخی» طبقه‌بندی شده است. وقتی که دو واژه «تخت جمشید» و «ابنیه تاریخی» را در دو کفه

ترازو می‌گذاریم، هیچ محقق تاریخ ایران نمی‌تواند تصور کند که واژه دوم از واژه اول دارای وزن تاریخی سنگین‌تری باشد، تا برای تحقیق در مورد تخت جمشید سراغ خود این واژه نرود.

بدون تردید، این انتقاد سبب نمی‌شود که از زحمت گسترده و صبورانه‌ای که در بیشتر از دو دهه اخیر در این سازمان برای سامان‌دهی اسناد صورت گرفته است، غفلت بورزیم. اما این واقعیت را نمی‌توان کتمان کرد، شرایط نامساعد سامان‌دهی اسناد که صرفاً خاص سازمان اسناد نیست، بلکه متأسفانه در کشور ما امری است شامل و در برگیرنده همه بایگانی‌های رسمی اسناد، راه دسترسی و کار به روی اسناد را برای محققین تاریخ دشوار نموده است. با وجود این، نگارنده مقاله، در دو سال اخیر از راهنمایی‌های مشفقانه و تجارب ارزشمند متصدیان صبور اتاق پژوهش سازمان اسناد ملی کشور بهره فراوان برده و به اسناد بسیار متنوعی دست یافته است که می‌توان با بهره‌گیری از آن‌ها به عصر مشروطه از مناظری چشم‌انداخت که تاکنون کمتر مورد توجه بوده است. مقاله حاضر با توجه به بررسی و مطالعه 2130 برگ از برگزیده‌ترین اسناد قراردادهای موجود در سازمان اسناد ملی ایران تألیف شده است. توضیح این مطلب ضروری است: عنوان مقاله نباید خواننده را به اشتباه اندازد که نگارنده در پی معرفی چند نمونه از قراردادهای عصر مشروطیت است. بلکه سؤال اصلی و هدفی را که در این مقاله پی می‌گیریم، برجسته نمودن برخی از تأثیرات مدنی انقلاب مشروطه در جامعه ایرانی آن روزگار است. بنابراین چون اسنادی که برای این منظور در نظر گرفته شده، متعلق به مجموعه اسنادی هستند که در سازمان اسناد ملی ایران بنام «اسناد قراردادها» ثبت گردیده است، لذا عنوان مقاله متناسب با نام مجموعه مورد بحث تنظیم شده است.

مورخان و روشنفکرانی که تحقیقات آن‌ها به‌طور عمده بر امور سیاسی تمرکز یافته است، در ارتباط با این پرسش که آیا انقلاب مشروطه برای ما ایرانیان دستاوردی داشته است یا نه، عموماً به بحث‌های جدلی و نظری وارد شده و مباحث مربوط به پیامدهای سیاسی بیشترین توجه آن‌ها را به خود جلب کرده و کمتر به دستاوردهای اجتماعی آن توجه نموده‌اند. نگارنده برخلاف روش فوق، از منظر تاریخ اجتماعی به معرفی اسنادی (اگرچه در تعداد اندک) می‌پردازد که بیانگر پیامدهای اجتماعی و پیدایش تقاضاها و انتظارات و در نتیجه شروع تحرک مدنی در جامعه ایرانی عصر مشروطه است:

بانک استقراضی

امتیاز بانک استقراضی در سال 1307 ق از طرف دولت ایران به ژاک پولیاکف روسی برای مدت 75 سال واگذار شد (شاهدی 1381: 73). در فصل هفتم از امتیازنامه تصریح شده است: صاحب امتیاز باید «صدی ده از منافع کل به خزانه دولت کارسازی نماید و علاوه بر این صدی ده، هرساله مبلغ هزار تومان مالیات خراج طهران صاحب امتیاز به خزانه دولت کارسازی خواهد نمود»¹

بر اساس اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران، بانک استقراضی حق السهم دولت ایران را از درآمدهای بانک از سال اخذ امتیاز تا 1327 ق نپرداخته است. این امر پیش از آن که توجه نهادهای دولتی مسؤول مانند اداره مالیة تهران، یا وزارت مالیه را به خود جلب کند، توسط شخص دلسوزی به نام محمدحسن کاشانی فاش و به جد پیگیری می‌شود. نامبرده در نامه‌ای (احتمالاً) خطاب به وزیر مالیه می‌نویسد که «بعد از بیست سال با هزار زحمت» پی به خطای بانک استقراضی برده و از طریق مذاکرات با دبیر مخصوص و وزیر مختار روسیه طلب بیست ساله دولت ایران از بانک مزبور اثبات و موافقت شده است که به دفاتر بانک رسیدگی شود. لذا تقاضای تشکیل کمیته‌ای را می‌نماید تا از این طریق حق دولت ایران از بانک یاد شده، جبران شود»².

نامبرده از اهمال کاری دستگاه مالی ناامید نشد و در 9 صفر 1328 طی نامه‌ای به رئیس مجلس شورای ملی³ به پیگیری خود در جهت «اخذ منافع دولت و حقوق ملت»⁴ مصّرانه ادامه داد و ضمن انتقاد صریح از «وزراء عظام به خصوص آقای وزیر مالیه» از این جهت که منافع و طلب دولت از بانک استقراضی را که در طی بیست سال گذشته «بالغ برده کرور تومان»⁵ می‌شود و مورد توجه جدی قرار ندارد، به مواردی می‌پردازد که بدون تردید خواننده را به این نتیجه می‌رساند که جامعه آن روز ایران به برکت وجود انقلاب مشروطه از انقباض خارج شده و نظارت جمعی بر دستگاه‌های دولتی به‌طور نسبی به‌وجود آمده است. اگرچه ممکن است که این قبیل پیگیری‌ها الزاماً به نتیجه مطلوب نرسیده باشد، ولی چنین پیگیری‌های جمعی حکایت از علایمی دارد که جامعه ایرانی در مسیر جدیدی گام نهاده

1 - سازمان اسناد ملی ایران، 709/240025260 ذ 2 ب 11 سند «نمره 395».

2 - همانجا، سند 24/660 ذیحجه 1327.

3 - همانجا، سند 3236/306 - 29 صفر 1328.

4 - همانجا، سند 17867 - 24 ذیقعه 1328.

5 - همانجا، سند 3236/306 - 29 صفر 1328.

است. گویی این که در همین مورد، مکاتبه اداره مالیه تهران با وزارت مالیه⁶ و نیز نامه وزارت مالیه خطاب به وزارت امور خارجه⁷ به جهت پیگیری مطالب مربوط به نامه محمدحسن کاشانی حکایت از شدت نفوذ نظارت اجتماعی بر نهادهای مدنی تازه تأسیس آن دوران است. از نتایج دیگر پیگیری‌های محمدحسن کاشانی در خصوص بدهی بانک استقراضی، نامه‌ای است که مجلس شورای ملی طی آن وزارت مالیه را ملزم می‌کند که به حساب بانک شاهنشاهی نیز رسیدگی شود: «لازم است که آن وزارت جلیله در حصه منافع بانک شاهنشاهی که به موجب فصل هفتم امتیاز نامه خودش که شرح ذیل عیناً درج می‌شود و باید به دولت علیه عاید دارد، اطلاعات کامله و توضیحات کافیه به مجلس شورای ملی بدهید که در این سنوات به خزانه دولت عاید شده و به حساب بانک شاهنشاهی رسیدگی شده است، یا خیر»⁸

پیگیری‌های یاد شده در بالا نه تنها موارد منحصر به فرد نیست بلکه در تمام دوران عصر مشروطیت به ویژه از طریق مطبوعات نیز قویاً تعقیب می‌شده است.

بانک استقراضی در 22 ذیحجه 1319 ق امتیاز راه شوسه جلفا - تبریز - قزوین را تحصیل و مطابق با ماده 14 این امتیاز نامه می‌بایست «در سال‌هایی که منافع راه نسبت به مخارج از صدی پانزده زیادتر بوده باشد، نصف آن فاضل را به اعلیحضرت همایونی»⁹ بپردازد. بانک استقراضی در مدت 17 سال که از انعقاد قراردادش با دولت ایران سپری شده... «دیناری از این بابت به خزانه دولت» نپرداخته است. وزارت فوائد عامه طلب 17 ساله دولت ایران از بانک استقراضی را به توسط وزارت خارجه پیگیری و امتیاز راه تبریز به قزوین را که در واقع قسمت دوم امتیاز نامه «راه شوسه جلفا - تبریز - قزوین» بود، به این دلیل که بانک مزبور از انجام تعهدات خود که در ماده 2 امتیاز نامه فوق قید شده است، سرباز زده؛ لغو نمود.¹⁰

کمپانی لینگ

در سوم ربیع‌الثانی 1307 ق دولت ایران امتیاز ساخت راه اهواز - تهران را به انضمام راه بروجرد و اصفهان برای مدت 60 سال به یحیی خان مشیرالدوله واگذار کرد. این

6 - همانجا، سند 395 - 16 ذیحجه (؟) 132.

7 - همانجا، سند 941 - 18 رمضان 1327.

8 - همانجا، سند 1069 - 15 ذیحجه 1327.

9 - مجله فلاح و تجارت، سال اول، شماره 4، 15 ثور 1297: 49.

10 - همانجا: 49 - 50.

امتیاز بعد از دوبار خرید و فروش، سرانجام در تاریخ 24 اوت 1902 به شرکت انگلیس لینچ رسید (لیتل 1367: 40).

بر طبق فصل هفتم از امتیازنامه، کمپانی لینچ می‌بایست بیست درصد از عایدات خود را به دولت ایران می‌پرداخت، حال آن که «از تاریخ امضای امتیاز نامه مورخه سنه 1307 (قمری) تا به حال (1297ش) که 29 سال گذشته است از این بابت دیناری نپرداخته و از ارائه صورت حساب سالیانه که در قرارداد تصریح شده است، استنکاف داشته»¹¹ بر طبق اسناد برای اولین بار مولیتور رئیس پست ایران در طی نامه‌ای به تاریخ 15 ژوئیه 1913 خطاب به وزیر فواید عامه با شیوه‌ای مستدل از رفتارهای خلاف قانون کمپانی لینچ پرده بر می‌دارد.¹² سپس وزارت فواید عامه در دو نوبت به تاریخ 26 قوس 1295 و 5 ثور 1297 از طریق وزارت امور خارجه تعهدات کمپانی لینچ را در زمینه با حق‌السهم دولت ایران و نیز تکمیل ساخت راه تهران - محمره « و اصفهان - بروجرد» خاطر نشان نموده، کمپانی مزبور را به دلیل خساراتی که به تجارت و دولت ایران وارد آمده، شدیداً تهدید به لغو امتیاز می‌کند.¹³

واکنش وزارت امور خارجه در برابر اعمال خلاف قانون شرکت روسی خوشتاریا

شرکت خوشتاریا در ایالات شمالی در ایران، گیلان، مازندران، استرآباد و اردبیل دارای امتیازاتی در زمینه کشف و استخراج معادن و استخراج نفت و موم طبیعی معدنی و نیز امتیاز احداث خط آهن پيله بازار (پیر بازار) به رشت بود. شرکت نامبرده براساس قراردادی که با نصرت‌الله خان سردار امجد طالشی و فرزندان وی منعقد می‌کند، امتیاز احداث راه آهن در حوالی طولش را به دست می‌آورد. شرکت خوشتاریا به ضبط غیرقانونی اراضی دولتی نیز دست‌انداز کرده و این امر موجب اعتراض شدید مردم آن نواحی می‌شود. زیرا اهالی معتقد بودند که سردار امجد اجازه نداشته است که از طرف دولت امتیاز راه آهن را اعطا و املاک خالصه را واگذار نماید.¹⁴ آنچه جالب است هماهنگی وزارت امور خارجه ایران با اعتراضات مردم طالش است. وزیر خارجه در نامه‌ای خطاب به وزیر مالیه اعتراف می‌کند که هرچه با سفارت روس مکاتبه کرده و هر قدر هم از طریق وزیر مختار ایران در پتروگراد رفتار خلاف قانون شرکت خوشتاریا را

11 - مجله فلات و تجارت، سال اول، شماره 1، 5 جوزا 1297: 70.

12 - سازمان اسناد ملی ایران، 203/240012404 غ 2 ا، سند 5209 - 15 ژوئیه 1913.

13 - مجله فلاح و تجارت، سال اول، شماره 1، 5 جوزا 1297: 70 - 71.

14 - سازمان اسناد ملی ایران، 405/240010332 ض 3 الف الف 1، سند 7719 - 27 ربیع‌الاول 1335.

به آگاهی دولت روسیه رسانده، باز هم نتیجه نداده است.¹⁵ وزیر خارجه ایران که از پیگیری‌های خود و پاسخ مناسب از طرف دولت روسیه مأیوس شده است نسبت به توقف اقدامات سوء شرکت خوشناریا نظر قاطعی می‌دهد. در حکومت‌های پیش از مشروطه کم سابقه است که یکی از وزرا به خود اجازه دهد در مورد یکی از شرکت‌های وابسته به یکی از دو ابر قدرت روس و انگلیس چنین محکم برخورد کند: «لازم است مأمورین دولتی رسماً از مداخلات مشارالیه در خالصجات دولتی جلوگیری کرده و در املاک جنگل‌هایی که متعلق به دولت است، نگذارند اجزاء این کمپانی دخالتی نموده، به بریدن چوب یا کشیدن خط‌آهن مبادرت نماید. بدیهی است او امر اکیده در این خصوص صادر خواهند فرمود.»¹⁶

واکنش مرنارد خزانه‌دار کل نسبت به شیوه راه‌داری شرکت روسی راه انزلی - تهران

شرکت روسی بیمه و حمل و نقل در ایران در 4 ذی‌قعدة 1310 ق امتیاز ساخت راه انزلی - قزوین و در 14 رجب 1313 ق امتیاز ساخت راه قزوین به تهران را از دولت ایران دریافت کرد.¹⁷ مدت امتیاز 99 ساله و قرار شد که در طول این مدت دولت ایران تحت هیچ عنوانی از شرکت بیمه و حمل و نقل در ایران مالیاتی مطالبه نکند. ضمناً چنانچه درآمد شرکت از 12 درصد بیشتر شد، نصف مبلغ اضافه بر 12 درصد را سالانه به دولت ایران بپردازد.¹⁸ شرکت مزبور پس از پایان عملیات ساخت راه انزلی - تهران، به منظور تعیین حقوق راه‌داری جدولی ارائه داد (تیموری 1363: 352 - 355) که به وضوح اجحافی بود بر مال‌التجاره‌های تجار و مسافرانی که در این مسیر تردد داشتند. باتوجه به نرخ‌گذاری حقوق راه‌داری توسط شرکت راه انزلی - تهران، مرنارد در طی نامه‌ای به وزیر مالیه چنین استدلال و محاسبه می‌کند: «اگر اشخاص متفرقه بخواهند به وسیله (اتومبیل) حمل مال‌التجاره نمایند، میزان کرایه ده خروار مال‌التجاره معادل پنج برابر و نیم کرایه دوازده الی چهارده خروار مال‌التجاره خواهد بود که به وسیله گاری چهار اسبه حمل می‌شود» (جمال‌زاده 1376: 101). در مکاتبات دیگر مرنارد با اعتراض به شرکت راه انزلی - تهران که از هر کامیون خزانه که از تهران عازم انزلی بوده است، هفتاد تومان حق راه دریافت داشته، یادآور می‌شود که اولاً این نرخ‌گذاری آن‌ها بدون کسب اجازه از اولیای دولت ایران است و نیز در ادامه برای وزیر مالیه توضیح می‌دهد: «حق‌العبور یک دستگاه

15 - همانجا، سند 35 - 7 جمادی‌الاول 12/1334 مارس 1916.

16 - همانجا، سند 32 - 6 جمادی‌الاول 11/1334 مارس 1916.

17 - همانجا، سند 7926/1692 - 19 شعبان 1332 و نیز سند 7210/2155 - 18 شعبان 1332.

18 - همانجا، همان سند

کامیون که هفته‌ای یک مرتبه رفته و مراجعت نماید، در سال بالغ به هفت هزار و دویست و هشتاد تومان می‌گردد!!! و برای یک صد دستگاه کامیون حق‌العبور بالغ به (728000) تومان می‌شود که در حقیقت قیمت ساختن پنجاه کیلومتر راه آهن است!!!¹⁹

تا این‌جا سعی نگارنده بر این امر متمرکز بوده تا اعتماد به نفسی را که در مکاتبات اداری مردان دولتی عصر مشروطه در ارتباط با دولت‌ها و مؤسسات خارجی انعکاس یافته و به نوبه خود این پدیده در دوران پیش از مشروطه کم سابقه است، با گزینش تعداد اندکی از این‌گونه مکاتبات، برجسته گردد. در ادامه مقاله، با طرح دو حادثه اجتماعی مرتبط با صیادان بندر انزلی و صنف قصابان قزوینی، سعی می‌شود تا اعتماد به نفسی را که می‌توان آن را اعتماد به نفس مدنی نامید و جامعه آن روز ایران به‌طور نسبی از آن برخوردار شده بود، فهمیده شود.

واکنش مردم انزلی در مقابل اجحافات شرکت لیانازف (شیلات شمال)

براساس عهدنامه تجاری ایران و روسیه (5 شعبان 1243ق)، تجار روسی برای فعالیت خود در ایران به حقوقی دست یافتند. از این تاریخ تا سال 1293ق، تمام شیلات دریای مازندران به میرزاحسین‌خان سپهسالار اجاره داده می‌شود و او به نوبه خود همه آن را در تاریخ 12 ژوئن 1876 (1293هـ) به استپان لیانازوف تاجر روس واگذار می‌کند. اما به دلیل عدم پرداخت مبلغ اجاره از سوی لیانازوف، میان میرزاحسین‌خان سپهسالار و طرف روسی اختلافاتی پیش می‌آید که در نهایت با «قرارنامه کنترات 4 اکتبر 1879 (ذی‌قعدة 1296)» اختلافات به پایان رسیده، شرکت شیلات لیانازوف کار پرسود خود را در تمام گستره سواحل دریای مازندران از آستارا در غرب تا رود اترک در شرق استان مازندران آغاز کرده، از بابت این امتیاز فوق‌العاده پردرآمد، سالانه 50000 تومان به ناصرالدین شاه می‌پردازد.²⁰

قرارداد شیلات شمال در سال‌های بعد و حتی در عصر مشروطیت چندبار تمدید شد تا این‌که در سال 1917م در بجهوئه انقلاب اکتبر، انتقال پول طلا به خارج از روسیه ممنوع گشت، در نتیجه، شرکت لیانازوف نتوانست به تعهدات مالی خود عمل کند. بنابراین دولت ایران قرارداد شیلات شمال را در 12 خرداد 1297 لغو و آن را به یک تبعه دیگر روس بنام گریگور پطروویچ وانتیتسف به مدت 20 سال اجاره داد. نامبرده هم از عهده برنیامد و قرارداد شیلات در 12 اردیبهشت 1300 لغو و اموال و دارایی شیلات در مقابل طلب دولت ایران ضبط شد.²¹

19 - سازمان اسناد ملی ایران، 237/240012691 غ 4 آ 1، سند 7142 - 11 عقرب 1331.

20 - همانجا، سند 17775 - 30 برج میزان 1331.

21 - همانجا، سند 18985 - 14 برج عقرب 1331.

62 نفر از صیادان انزلی به نمایندگی از هفت هزار صیادی که در حوالی مرداب انزلی زندگی می‌کردند، در یک شکوائیه به وزیر فوائد عامه از ظلم و ستمی که شرکت صیادی لیانازوف بر آن‌ها وارد کرده، به تفصیل توضیح می‌دهند. صیادان یاد شده در بالا ضمن بیان سختی‌های خاص صید در دریا می‌نویسند که اصلی‌ترین ماهی که آن‌ها از دریا صید می‌کنند ماهی صوف است که شرکت لیانازوف آن را به زور بنام ماهی حرام می‌گیرد و با قیمتی که خود تعیین می‌کند، برای هر هزار قطعه دوازده و نیم تومان می‌پردازد؛ در حالی که قیمت واقعی آن یکصد و پنجاه تا دویست تومان است (تیموری 1363: 292 - 295). در ادامه این رنج نامه صیادان مرداب انزلی، به نکته جالبی برمی‌خوریم که حکایت از یک گفتمان مدنی و حقوق پسند است که بدون شک حاصل عصر مشروطیت است: «مکرر به دولت متبوعه خود تظلم کردیم ولی از نقطه نظر این که شاید دولت هم به واسطه فشارهای خارجی نمی‌توانست اقدامی بکند، ساکت مانده و شب و روز دعا می‌کردیم که تنها این اجاره (مدت امتیاز لیانازوف) تمام شود و ما بیچارگان راحت بشویم تا این که دعای ما به اجابت رسیده، موانع خارجی برطرف و به واسطه تخطیات لیانازوف از مواد کنترات، دولت موفق به الغاء کنترات آن‌ها گردید. اینک از آن مقام منبع استدعا می‌نماییم که چنانچه دولت بخواهد مجدداً کنتراتی با ورثه لیانازوف‌ها یا دیگری ببندد، باید حال ما بیچارگان را در نظر گرفته و مراعات نکات فوق‌الذکر را نموده...» (کاظم‌زاده: 192).

میرزا صادق‌خان سردار معتمد در 29 ذی‌قعدة 1327 ق طی نامه‌ای به وزیر داخله درباره اجحافتی که شرکت لیانازوف‌ها به صیادان انزلی تحمیل کرده، توضیح داده و از وزارت داخله درخواست می‌کند با مراجعه به سفارت روس از آن‌ها بخواهد تا شرکت لیانازوف را موظف نماید صید ماهی‌های حلال را به یک نفر از اتباع ایرانی اجاره داده، او به نوبه خود با تقسیم شیلات حلال در میان صیادان، موجبات امرار معاش این جماعت را فراهم نماید (تیموری 1363: 305).

دادخواهی صیادان مرداب انزلی سرانجام به نتیجه رسید و در گزارش 2 جمادی‌الثانی 1329 ق کارگزار انزلی به وزارت امور خارجه انعکاس یافت و کارگزار ضمن شرح اعمال خلاف قانون شرکت لیانازوف، نارضایتی صیادان را نیز یادآور شده، از مرکز تقاضا می‌کند که یک نفر مأمور ایرانی باید به عنوان ناظر بر کار شرکت لیانازوف نظارت داشته باشد.²²

واکنش قصابان قزوین در برابر نمایندگان شرکت امریکایی قره‌گوزیان

در تاریخ 3 نوامبر 1923م سفیر آمریکا در تهران طی نامه‌ای به ذکاءالملک وزیر امور خارجه ایران درباره قرارداد قصابان قزوین با شرکت امریکایی قره‌گوزیان توضیح داده؛ نیز شکایت این کمپانی از وزارت داخله ایران، از این که خرید انحصاری روده و پوست کشتار قزوین را به شخصی به نام میرزا ابوطالب واگذار کرد، به اطلاع ذکاءالملک می‌رساند و ادامه می‌دهد که قصابان قزوین دیگر به نماینده کمپانی، میکائیل برخورداریان، برخلاف قرارداد²³ فی‌مابین، روده و پوست نمی‌فروشند. بدین وسیله سفارت آمریکا از وزارت امور خارجه ایران برای رفع مشکل فوق استمداد خواسته است.²⁴ بلافاصله وزارت امور خارجه ایران از وزارت داخله تقاضا می‌کند: «اهتمامی بفرمایید که حقوق کمپانی موافق کنتراست محفوظ بماند.»²⁵

نامه مورخ اول رجب 1342 قصابان قزوین که مهر شده به مهر همه آنان است، خطاب به وزارت داخله و در حمایت از آن، حاوی نکات جالبی است. آن‌ها توضیح می‌دهند که قصابان قزوین تا پیش از این تحت ظلم و شکنجه دو نماینده کمپانی به نام‌های مکائیل، تبعه روس و حاج میرزا آقا قصاب بودند و با اراده «اهالی شهر» و موافقت اداره بلیه شهر قزوین و نیز وزارت داخله، امتیاز فروش پوست و روده قصابخانه قزوین به یک تاجر ایرانی واگذار می‌شود.²⁶ قصابان قزوینی ضمن ابراز رضایت از عملکرد تاجر ایرانی، وزارت داخله را متوجه القاء شبهات نمایندگان شرکت قره‌گوزیان کرده، از آن وزارتخانه می‌خواهند که «اهالی علاقمند به وطن» شهر قزوین را از شر نمایندگان کمپانی خلاص نماید.²⁷

نتیجه‌گیری

جامعه ایرانی اگرچه در حوزه سیاست نتوانست اندیشه فلسفی بدیع تولید کند، ولی اسناد بسیار فراوان، به ما این حقیقت را نشان می‌دهند که ایرانیان در عرصه‌های دیگر از کوشش برای پیشرفت و توسعه دست از تلاش برنداشتند. لذا بنابر نظر اینجانب، توجه به تاریخ اجتماعی عصر

23 - همانجا، همان سند.

24 - همانجا 607/240005709 خ 111، سند 30207-29 ذی‌قعدة 1327.

25 - همانجا، 303/240008481، 5 ژ 11، سند 2 جمادی‌الثانی (11 جوزا) 1329.

26 - همانجا، 826/295004256 غ 2 ب آ 1، سند 317 - 25 دلو 1300 و نیز همانجا، سند 24 جمادی‌الاول 1340.

27 - همانجا، سند 203 - 3 نوامبر 1923.

مشروطه اگر مهمتر از تاریخ سیاسی آن دوران نباشد، کم اهمیت‌تر از آن نیست؛ و به عبارت صحیح‌تر، وجه تکمیلی آن به‌شمار می‌رود. بنابراین مقاله پیش‌رو، حاصل تحقیق و تعمق در مباحث اجتماعی و اقتصادی مندرج در اسناد امتیازات و قراردادهای عصر قاجاریه است. امتیازاتی که دولت قاجار تا عصر مشروطه به بیگانگان واگذار کرد، چنان سرنوشت شومی را برای جامعه ایرانی به‌وجود آورد که به حق یکی از مهمترین دغدغه‌های مجلس شورای ملی - که خود در مرکز تحولات آن دوره قرارداشت - مبارزه با این عامل ویرانگر بود. این مهم نه تنها مواد 23 و 24 قانون اساسی را به خود اختصاص داد، بلکه نمایندگان مجلس، پاسداری از آن مواد را وظیفه خود دانسته و در موقع مقتضی راجع به آن‌ها به تفصیل به بحث می‌پرداختند.²⁸

مجلس شورای ملی، براساس ماده 24 قانون اساسی، به‌طور جدی در انعقاد هرگونه قراردادی، حتی اگر در حد و اندازه‌های ساختن یک گمرک‌خانه کوچکی مانند گمرک‌خانه رود حله در بندر ریگ که قرارداد آن میان لئو، رئیس گمرکات جنوب و حیدرخان حیات داودی حاکم بندرریگ منعقد شد؛ دخالت می‌کرد.²⁹

عصر مشروطه که به نوعی در چنبره اختاپوسی پیامدهای شبکه امتیازات دوره‌های قبل از خود، دست و پا می‌زد، گاه به فغان می‌آمد و گاه امتیازی را که موعدهش سرآمده بود لغو و از تمديد آن سرباز می‌زد؛ و هرگاه باید امتیاز جدیدی را اعطا می‌کرد، با چنان وسواسی مواد آن را به بحث می‌گذازد که به هیچ‌وجه با شیوه امتیاز بخشی در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه شباهتی نداشت. کافی است به گزارشی که در خصوص حفاری‌ها و گنجینه‌های کشف شده در شوش در روزنامه مجلس درج شده است، مراجعه نمود³⁰ تا از رنج آن عصر در قبال امتیاز حفاری که در سال 1300 - 1301 ق دیولافوای فرانسوی به‌دست آورد³¹، آگاه شد. مطابق این امتیاز، فرانسوی‌ها هرچه در شوش به‌دست می‌آوردند، به آن‌ها تعلق داشت و هر آن‌چه در غیرشوش کشف می‌شد، نصف برای ایران و نصف دیگر آن برای صاحب امتیاز بود. وجه قابل ملاحظه امتیاز مذکور، نامحدود بودن آن به لحاظ زمانی بود.³²

28 - همانجا، سند 12728 - 17عقرب 1302.

29 - همانجا، سند غره رجب 1342.

30 - همانجا، همان سند

31 - روزنامه مجلس، سال سوم، شماره 45، 28 ذیقعد 1327: 4.

32 - سازمان اسناد ملی ایران، 410/240011987 ع الف الف 1، سند 6332 - 6 جوزا 1329.

در اغلب قراردادهای یک ماده یا یک بند درج می‌شد که اگر ویرانگرتر از اصل امتیاز نبود، از آن کم اهمیت‌تر نبود. در امتیاز ساخت شمع گچی که در 17 شعبان 1306 ق به ادوارد دتی داده شد، در انتهای امتیاز نامه آمده است، صاحب امتیاز می‌تواند هر مقدار چوب که لازم دارد مجاناً از جنگل‌های ایران استخراج نماید.³³ همین جمله در قرارداد اخیر، یا موارد مشابه در قراردادهای دیگر، کافی بود تا مورد سوءاستفاده صاحب امتیاز قرار گرفته، به غارت جنگل‌های ایران و دیگر منابع ثروت کشور به‌طور رایگان پردازند.

پیش از این به یک مورد دیگر از این قبیل سوءاستفاده‌ها، در مورد دست‌اندازی‌های شرکت خوشتاریا به اراضی اطراف طالش اشاره رفت. در این‌جا باید به این حقیقت اذعان داشت که نگارنده بر این نظر نیست که هر آن‌چه در عصر مشروطه اتفاق افتاده است، بسیار سنجیده و در تناسب با منافع ملی ایرانیان بوده است؛ بلکه با ذکر چند نمونه از امتیازات، یا طرح محتوای بعضی از اسناد مربوط به قراردادهای درصدد برجسته کردن تفاوت‌های عصر مشروطه با دوره‌های پیش از آن است. مقایسه دو امتیاز دیگر که یکی در عصر ناصری به روس‌ها واگذار شد و دومی در مجلس شورای ملی به بحث گذاشته شد، این تفاوت را نمایان‌تر می‌کند.

در سال 1890م دولت ایران یک امتیاز ده ساله جهت احداث راه‌آهن به روس‌ها داد و در سال 1900 برای ده سال دیگر تمدید شد. در طول مدت اعتبار قرارداد نه دولت ایران اجازه داشت راه‌آهنی تأسیس کند و نه این‌که اجازه داشت، به شرکت دیگری امتیاز تأسیس راه‌آهن را بدهد (جمال‌زاده 1376: 115). این قرار داد به تمام طرح‌های احداث راه‌آهن تا سال 1910، چه طرح بریتانیا در مورد خط‌آهن سیستان و چه طرح آلمان در مورد احداث راه‌آهن بغداد به تهران، پایان داد.

عنوان «عقیم کننده» که برخی از منابع تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجاریه به قرارداد یاد شده داده‌اند، بسیار بجاست (همان: 115). در مقایسه با قرارداد اخیر، مباحثی که در مذاکرات دوره دوم مجلس شورای ملی پیرامون تنظیم مواد امتیاز نامه ساخت راه مشهد سر - بار فروش صورت گرفت، ما را به هدف این مقاله نزدیک‌تر می‌کند.

مجلس شورای ملی امتیاز ساخت راه مشهد سر - بار فروش را به یک تبعه دولت ایران بنام خداداد پارسی معروف به ساسانی واگذار کرد (میرهاشم 1360: 57). ماده 5 قرارداد، هرگونه مداخله و شرکت اتباع خارجی در این قرارداد را ممنوع و نیز

صاحب امتیاز بر اساس ماده 12 متعهد شده بود، در ساخت راه مزبور صرفاً از کارگران ایرانی استفاده کند (عیسوی 1369: 238). علاوه بر این، مراجعه به مذاکرات مجلس به جهت اعطای امتیاز صابون‌سازی و چرم‌سازی (همان: 283) و نیز امتیاز طلاشویی³⁴، نگارنده را از تفصیل بیشتر مطلب بی‌نیاز می‌سازد.

در خاتمه، تکرار این مطلب بی‌مورد نیست که مراجعه به تاریخ اقتصادی و اجتماعی عصر مشروطه این امر را بر ما مبرهن می‌کند که جامعه ایرانی وارد عصر جدیدی شد که سرشار از شور و شوق بوده است. جامعه ایرانی در این دریای متلاطم، در حال تجربه خویش بوده است و با هر تجربه‌ای که می‌کرده، شعور مدنی خود را تعمیق می‌بخشیده است. چون مسیر مدنی شدن، امر زمان‌مندی است، بنابراین نمی‌شود از شکست مشروطه سخن گفت. در این عرصه، پیروزی حاصل زمان است. جامعه ایرانی با ورود به عصر، مشروطه به واقع به فضای غیرقابل برگشتی گام نهاد و تاریخ اجتماعی یک صدسال اخیر غیر از این به ما نمی‌گوید.

منابع

- تیموری، ابراهیم. 1363. عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران. تهران: اقبال.
- جمال‌زاده، سیدمحمدعلی. 1376. گنج شایگان، اوضاع اقتصادی ایران. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- شاهدی، مظفر. 1381. تاریخ بانک استقراضی در ایران، نگاهی گذرا به روند همکاری‌های بانکی ایران و روس. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ انتشارات.
- عیسوی، چارلز. 1369. تاریخ اقتصادی ایران، عصر قاجار 1332 - 1215 هـ. ق. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره.
- کاظم‌زاده، فیروز. بی‌تا. روس و انگلیس در ایران 1864 - 1914، پژوهشی درباره امپریالیسم. ترجمه دکتر منوچهر امیری. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- لیتل، ویلهلم. 1367. ایران از نفوذ مسالت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی. ترجمه دکتر مریم میراحمدی. تهران: انتشارات معینی.

34 - مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره دوم، جلسه 110، پنجشنبه 22 جمادی‌الآخر 1328.

میرهاشم، محدث. 1360. چند امتیازنامه عصر قاجار. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.

اسناد منتشر نشده

- سازمان اسناد ملی ایران، 709/240025260 ذب آ 1 سند «نمره 395».
- سازمان اسناد ملی ایران، 709/240025260 ذب آ 1 سند «660 - 24 ذیحجه 1327».
- سازمان اسناد ملی ایران، 709/240025260 ذب آ 1 سند «3236/306 - 29 صفر 1328».
- سازمان اسناد ملی ایران، 709/240025260 ذب آ 1 سند «17867 - 24 ذیقعه 1328».
- سازمان اسناد ملی ایران، 709/240025260 ذب آ 1 سند «395 - 16 ذیحجه (ق) 132».
- سازمان اسناد ملی ایران، 709/240025260 ذب آ 1 سند «941 - 18 رمضان 1327».
- سازمان اسناد ملی ایران، 709/240025260 ذب آ 1 سند «1069 - 15 ذیحجه 1327».
- سازمان اسناد ملی ایران، 203/240012404 غ آ 2 سند «502 - 15 ژوئیه 1913».
- سازمان اسناد ملی ایران، 405/240010332 ض 3 الف الف 1، سند «7719 - 27 ربیع الاول 1335».
- سازمان اسناد ملی ایران، 405/240010332 ض 3 الف الف 1، سند «35 - 7 جمادی الاول 1334/12 مارس 1916».
- سازمان اسناد ملی ایران، 405/240010332 ض 3 الف الف 1، سند «32 - 6 جمادی الاول 1334/11 مارس 1916».
- سازمان اسناد ملی ایران، 405/240010332 ض 3 الف الف 1، سند «7926/1692 - 19 شعبان 1332» و نیز سند «7210/2155 - 18 شعبان 1332».
- سازمان اسناد ملی ایران، 405/240010332 ض 3 الف الف 1، سند «11095/925 - 22 ربیع الاول 1333».
- سازمان اسناد ملی ایران، 237/240012691 غ 4 آ آ 1، سند «7142 - 11 عقرب 1331».
- سازمان اسناد ملی ایران، 237/240012691 غ 4 آ آ 1، سند «17775 - 30 برج میزان 1331».
- سازمان اسناد ملی ایران، 237/240012691 غ 4 آ آ 1، سند «18985 - 14 برج عقرب 1331».
- سازمان اسناد ملی ایران، 303/240008481 ژ 5 آ آ 1.
- سازمان اسناد ملی ایران، 607/240005709 غ 1 آ آ 1، سند «30207 - 29 ذیقعه 1327».
- سازمان اسناد ملی ایران، 303/240008481 ژ 5 آ آ 1، سند «2 جمادی الثانی (11 جوزا) 1329».
- سازمان اسناد ملی ایران، 826/295004256 غ 2 ب آ 1، سند «317 - 25 دلو 1300».
- سازمان اسناد ملی ایران، 826/295004256 غ 2 ب آ 1، سند «24 جمادی الاول 1340».
- سازمان اسناد ملی ایران، 826/295004256 غ 2 ب آ 1، سند «203 - 3 نوامبر 1923».
- سازمان اسناد ملی ایران، 826/295004256 غ 2 ب آ 1، سند «12728 - 17 عقرب 1302».
- سازمان اسناد ملی ایران، 826/295004256 غ 2 ب آ 1، سند «غره رجب 1342».
- سازمان اسناد ملی ایران، 410/240011987 ع الف الف 1، سند «6332 - 6 جوزا 1329».